

گونه شناسی مناطق شهر - بنیاد در مطالعات شهری و منطقه ای: * با نظری بر واکاوی مفهوم مجموعه شهری در ایران

ایرج اسدی**^۱، دکتر اسفندیار زبردست^۲

^۱ دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۲/۳، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۵/۲)

چکیده:

تا پیش از آغاز قرن بیستم استفاده از دو مفهوم شهر و روستا و در معدودی موارد، کلان شهر می توانست برای تشریح اشکال توسعه فضایی و سکونت موجود آن زمان کافی باشد. اما توسعه و گسترش شهر نشینی قرن بیستمی موجب شکل گیری پدیده های فضایی کلانی در گستره سرزمینی شد که پیشتر وجود نداشتند. از ابتدای قرن بیستم تاکنون تلاش های زیادی در زمینه مفهوم سازی های مرتبط با این پدیده های نوظهور شکل گرفته اند که در برخی مواقع در اثر تعدد و کثرت این مفاهیم نوعی اغتشاش در تعاریف و یافتن مصادیق آنها بین مخاطبان این مفاهیم به وجود می آید. مقاله حاضر بعد از بررسی دوازده مفهوم پر استفاده مرتبط با منطقه شهر بنیاد آنها را در سه دسته مفاهیم الف) مفاهیم ناظر بر ابرشهر مرکزی ساخته شده، ب) مفاهیم ناظر بر یک شهر منطقه منسجم و ج) مفاهیم ناظر بر چند شهر منطقه مستقل همجوار دسته بندی می کند که بر حسب معیار پیوستگی کالبدی و شدت همبستگی عملکردی و نیز مقیاس فضایی از همدیگر متمایز می شوند. در این مقاله تلاش شده است تا علاوه بر ارائه مشخصه های تمایز بخش مفاهیم مختلف مناطق شهر-بنیاد، نوعی تبارشناسی از مفاهیم نیز ارائه گردد تا از این ره، درک جامع تری از موضوع به دست آید.

واژه های کلیدی:

گونه شناسی، منظومه شهری، شهر-منطقه، منطقه کلان شهری، مجموعه شهری.

* این مقاله برگرفته از یکی از فصول رساله دکتری ایرج اسدی است که با راهنمایی دکتر اسفندیار زبردست در دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران در دست انجام است.

** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۱۲۸۴۱، نمابر: ۰۲۱-۶۶۹۵۵۶۲۸، E-mail: iasadi@ut.ac.ir

مقدمه

سکونت حومه‌ای در قالب شهرهای اقماری و اخیرتر شهر-لبه‌ها و سکونتگاه‌های فرا-شهری در آن، زمینه‌ساز شکل‌گیری پدیده‌های جدیدی در سازمان فضایی سرزمین گشت که پیشتر قابل تعریف نبود. این دسته پدیده‌ها و هویت منطقه‌ای کلان، حاصل رشد و تحول در اندازه شهر مرکزی، پیوستگی کالبدی شهرهای همجوار مستقل و یا تعامل کارکردی مفاهیم دسته اول به شمار می‌آیند.

به هر روی، مفاهیم فضایی مقیاس کلان و ارائه تعاریف فضایی و انجام نوعی گونه‌شناسی از این دسته پدیده‌ها موضوع اصلی مقاله حاضر است. ضرورت این گونه‌شناسی در وجود اغتشاش ذهنی است که مخاطبان این مفاهیم - حتی کارگزاران فرادست نظام برنامه‌ریزی - در یافتن مصادیق این مفاهیم با آن روبرویند. مجموعه شهری تهران که اکنون مفهومی رسمی در نظام برنامه‌ریزی کشور است، یکی از این مصادیق مفاهیم کلان فوق‌الذکر است که در مطالعات مرتبط با طرح مجموعه شهری معادل منظومه شهری انگاشته شده است در حالی که چنین نیست. نکته مهمتر اینجاست که اثرات این نوع مفهوم‌شناسی تنها در عرصه نظری محدود نشده و به عرصه عمل نیز وارد خواهد شد که آن، پیدا کردن استراتژی و سیستم اداره و حکمروایی متناظر با مفهوم‌شناسی مورد نظر است.

در مقاله حاضر تلاش می‌شود عمده مفاهیم مقیاس کلان رایج در متون مرتبط و کاربرد های مختلف آنها بررسی گردد. باید یادآوری شود که برخی از این مفاهیم و کاربرد آنها در متون تخصصی هم دارای میزانی از اغتشاش در کاربرد هست که تمایز روشن بین آنها را دشوار می‌سازد. نظر به آشنایی چند ساله نگارندگان با مفاهیم این حوزه، استخراج فهرستی اولیه از مفاهیم مرتبط با مناطق شهر-بنیاد^{۱۸} چندان دشوار نبود. آنچه دشوار می‌نمود تمایزافکنی نسبتاً روشن بین این دسته مفاهیم بود که برخی از آنها، ولو به نظر متفاوت، مشابه بوده و برخی دیگر، ولو مشابه، متفاوت [تفاوت ناحیه کلان شهری با منطقه یا شهر منطقه کلان شهری و یا مشابهت مفهومی بین منظومه شهری و ابر شهر یا کلان شهر و یا حتی تجمع شهری].

تا پیش از آغاز قرن بیستم، استفاده از دو مفهوم شهر و روستا و در معدودی موارد، کلان شهر می‌توانست برای تشریح اشکال توسعه فضایی و سکونتی موجود آن زمان کافی باشد. اما توسعه و گسترش شهر نشینی قرن بیستمی در دو مقیاس خرد و کلان موجب شکل‌گیری پدیده‌های نوینی در سازمان فضایی سرزمین شد. به تبع شکل‌گیری این پدیده‌های فضایی، اندیشمندان علوم مرتبط نیز البته با تاخیر شروع به مفهوم‌سازی‌هایی برای پدیده‌های نوظهور کردند. بازتاب تحولات فضایی در مقیاس خرد را می‌توان در ساخت مفاهیمی چون شهرهای جدید و شهرهای اقماری^۱، حومه نشینی و پراکنده رویی شهری و اخیرتر شهر-لبه‌ها^۲، سکونتگاه‌های فرا-شهری^۳، اگزوپلیس‌ها^۴، شهر-فن‌ها و قطب‌های فن‌آوری^۵ سراغ گرفت که همگی در طول قرن بیستم و در هاله شهری-روستایی^۶ شهرها و کلان شهرهای کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه شکل گرفتند. بازتاب دسته دوم تحولات فضایی (پدیده‌های مقیاس کلان) را می‌توان در ساخت و پرداخت مجموعه دیگری از مفاهیم مرتبط دریافت که به نوعی از گسترش شهر یا کلان شهر اولیه، به هم پیوستن شهرها و نواحی شهری مستقل همجوار و یا در تعامل کارکردی نواحی شهری و روستایی به لحاظ کالبدی مجزا از هم شکل گرفتند. مفاهیمی مانند کلان شهر^۷، منظومه شهری^۸، ناحیه کلان شهری^۹، شهر-منطقه^{۱۰}، زنجیره شهری یا مگالوپلیس^{۱۱}، ابرشهر^{۱۲}، ابرشهر-منطقه^{۱۳}، منطقه شهری عملکردی^{۱۴}، تجمع شهری^{۱۵}، منطقه کلان شهری^{۱۶}، منطقه شهری چند هسته‌ای^{۱۷} و... از جمله پدیده‌های فضایی مقیاس کلان و مفاهیم مبین آنها است. بخش عمده این مفاهیم حاصل اندیشه‌اندیشمندان حوزه علوم جغرافیایی و منطقه‌ای است.

شاید بتوان نوعی رابطه تولیدی بین این دو دسته پدیده‌ها و مفاهیم خرد و کلان نشان داد. تحولات فضایی مقیاس خرد موجد و مولد شکل‌گیری پدیده‌ها و مفاهیم مقیاس کلان هستند. به عبارت دیگر رها شدن شهر و یا کلان شهر سنتی از حصار شهر مرکزی و سرریز توسعه در شکل نقاط سکونتی، خرید، کار و تفریح به هاله روستایی - شهری، توسعه انواع اشکال

۱. روش و روش‌شناسی تحقیق

در جدول و نمودار انتهایی مقاله به آنها اشاره شده است. اگر بخواهیم از نوعی روش در انجام این تحقیق یاد کنیم می‌توان از روش تحقیق بازنگری پژوهش^{۱۹} یاد کرد که قسمی از روش تحقیق تحلیل ثانوی و یا فرا-تحلیل^{۲۰} محسوب می‌شود (Hakim, 2000, 21-25).

برای انجام این گونه‌شناسی از مناطق شهر-بنیاد، ابتدا تلاش شد تا تعاریف مختلف این مفاهیم جمع‌آوری شده و نوع کاربرد آنها در متون مختلف بررسی شود. با بررسی تعاریف و تطبیق مصادیق آن در متون مختلف به تدریج ابعاد و ویژگی‌های تمایز بخش هر یک از مفاهیم به دست آمد که ترکیب این ویژگی‌ها در مراحل بعد، به مولفه‌های این گونه‌شناسی منتهی گشت که

جدول ۱- مفاهیم مورد بررسی و معادل‌های فارسی مورد استفاده.

مفاهیم و واژه‌های مورد بررسی	معادل‌های به کار رفته در مقاله
1. Metropolis	کلان‌شهر
2. Conurbation	منظومه شهری
3. Metropolitan area	ناحیه کلان‌شهری
4. Urban agglomeration	تجمع شهری
5. Mega city	ابر شهر
6. City-region	شهر-منطقه
7. Metropolitan region	منطقه کلان‌شهری
8. Functional urban region	منطقه شهری عملکردی
9. Polycentric urban region/ Polynucleated metropolitan regions/ Multicore City-regions	مناطق شهری چند هسته‌ای
10. Megalopolis	مگالوپولیس/ زنجیره شهری
11. Mega city-region / Polycentric Mega City-region	ابر شهر-منطقه {چند هسته‌ای}
12. Mega region/ Super region or Megas	ابر-منطقه

۲. بررسی مفاهیم مناطق شهر بنیاد

همانگونه که اشاره شد، دوازده مفهوم مرتبط با مناطق شهر - بنیاد در این جا مورد بررسی قرار گرفته‌اند. جدول ۱ این مفاهیم و معادل‌های فارسی مورد استفاده در این مقاله را کنار هم قرار داده است. اگرچه برخی معادل‌های مورد استفاده برای مثال منظومه شهری می‌تواند مورد مجادله قرار گیرد، با این وجود مجموعه واژگان مورد استفاده در این جا مواردی است که در متون فارسی متواتر به کار رفته است.

۲-۱- کلان‌شهر

کلان‌شهر تنها مفهومی است که ماهیتی دو گانه دارد به طوری که هم به عنوان یک مفهوم خرد و هم مفهوم کلان مورد استفاده قرار گرفته است. متروپولیس اصطلاحی یونانی است و مراد از آن شهر مادر (مادر شهر) یا دولت-شهر والد^{۲۱} (همانند آتن) است که مردم شهر را برای ایجاد مستملکات جدید به بیرون شهر می‌فرستد. این واژه همچنین به شهر اصلی یک تمدن یا کشور نیز اطلاق می‌شود. عصر شکوهمند کلان‌شهرها در ایالات متحده به فاصله سال‌های ۱۸۵۰-۱۹۵۰ اطلاق می‌شود که شیکاگو و نیویورک نمونه‌های مسلم آن به شمار می‌آیند (Shumsky, 1998).

در مدل کلاسیک یک کلان‌شهر، صنعت محرک اصلی رشد شهری و هسته اقتصاد محسوب می‌شود. ویژگی اصلی کلان‌شهرها، تراکم شدید مردم و فعالیت‌ها بود که در شکل حلقه‌های متحدالمرکز سازمان می‌یافتند. خوشه‌ای از برج‌های اداری و تجاری در مرکز و هسته کلان‌شهر، صنعت در حلقه پیرامون مرکز، و نوار حومه‌ای مسکونی برای افراد ثروتمند که می‌توانند از ازدحام دو حلقه درونی خود را رهایی بخشند. در حال حاضر هسته‌های کلان‌شهری قدیمی دیگر واجد صنعت، تجارت خرده فروشی یا کارکردهای اداری نیستند. اکنون همه این نوع کارکردها در سرتاسر شهر - منطقه پخش شده است. با وجود این، کلان‌شهر ناپدید نشده است بلکه اکنون در شکل انواع جدید مراکز پویا که محل استقرار مراکز و شعب اصلی شرکت‌ها، فرهنگ سطح

بالا (موزه‌ها، سالن‌های کنسرت و تئاتر) و ارتباطات (رسانه‌ها و انتشارات) است به حیات خود ادامه می‌دهد (ibid).

به نظر برخی پژوهشگران واژه کلان‌شهر دیگر برای معرفی شهرهای بزرگ کنونی مناسب نیست و باعث ابهام و سوء برداشت می‌شود. به نظر راجر سیموندز واژه متروپولیتن دارای بار ارزشی و تاریخی است و بیشتر معرف قطب‌های توسعه در عصر سرمایه‌داری صنعتی است. ویژگی عمده این شهرها داشتن الگوی شعاعی و ایفای نقش مرکزیت برای تولید صنعتی و تجمع کارگران بوده است. این وضعیت امروزه در کشور های غربی تغییر کرده است. از دید سیموندز مفهوم شهر - منطقه انطباق بیشتری با وضعیت شهرهای بزرگ امروزی دارد (مهدی زاده، ۱۳۸۳، ۲۲).

مرور متون مرتبط با مفهوم کلان‌شهر حاکی از تسلط دو دیدگاه در تعریف مفهوم کلان‌شهر است که شاید بتوان با تسامح دیدگاه کمی و دیدگاه کیفی یا دیدگاه آماری و دیدگاه جامعه‌شناختی را به آنها اطلاق نمود. دیدگاهی که کلان‌شهر را از زاویه آمار و ارقام صرفاً کمی تعریف می‌کند و دیدگاهی که بر اساس نظریات جامعه‌شناس آلمانی، جورج زیمل، کلان‌شهر را به عنوان ماشین از خود بیگانه‌سازی انسان تعریف می‌کند. از دیدگاه آماری بسیاری از منابع مانند (UN, 2004; Angotti, 1993, Metropolis, 2005) کلان‌شهر را شهری تعریف می‌کنند که حداقل ۷۵۰ هزار یا یک میلیون نفر جمعیت داشته باشد (به نقل از زبردست، ۱۳۸۴، ۹۰). بهترین تجلی دیدگاه دوم را می‌توان در فیلم به یادماندنی کارگردان شهیر آلمانی - اتریشی فریتس لانگ نگرست که در سال ۱۹۲۷ به تصویر کشیده شد. فیلمی که نیرومندترین بینش از شهر و جامعه مدرنیته را به نمایش می‌گذارد (Hutchinson, 2009, 502). این دیدگاه زاویه‌ای کاملاً منحصر به فرد را در تعریف یک شکل خاص از سکونت انسانی مطرح می‌سازد که در تعریف دیگر مفاهیم مرتبط با موضوع کمتر - اگر نه اصلاً - دیده می‌شود. مفهوم کلان‌شهر از دیدگاه ریخت‌شناسی از آنجا که بر پیوستگی ناحیه شهری ساخته شده تاکید دارد، با مفاهیمی مانند ابر شهر یا منظومه شهری نقاط اشتراک زیادی دارد.

۲-۲- منظومه شهری

این مفهوم از جمله مفاهیم چالش برانگیز در عرصه مطالعات شهری و منطقه‌ای است که تلقی‌ها و کاربردهای متفاوتی به خود گرفته است. منظومه شهری در حقیقت حاصل اولین تلاش برای مفهوم سازی پدیده‌های فضایی مقیاس کلان در قرن بیستم به شمار می‌آید. بر اساس یک بررسی (برک پور، ۱۳۸۳، ۹۹) اصطلاح منظومه شهری در متون فارسی با مترادف‌ها و معادل‌هایی همچون شهرگان، شبکه شهری و مجموعه شهری نیز به کار رفته است. این مفهوم اولین بار توسط پاتریک گدس و در مطالعه ماهیت توسعه شهری بریتانیا در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مورد استفاده قرار گرفت. وی در حین مطالعه سکونتگاه‌های شهری چون لیورپول و منچستر و همچنین گلاسکو و ادینبورگ که در حال پیوستن به هم دیگر بودند دریافت که شکل جدیدی از سکونتگاه‌های شهری در حال ظهور است در حالی که مفاهیم موجود نمی‌توانند معرف

این پدیده جدید باشند. وی اظهار می‌دارد:

"ما برای تمرکز بر چنین انواع جدید سازمان سکونت و به عبارت دیگر دگرگونی جغرافیایی شهرها و روستاها نیازمند ابداع و بسط واژه‌شناسی مناسبی هستیم. ما باید نام‌های مناسبی برای این انواع شهر- منطقه‌ها و یا این نوع مجموعه‌های شهرکی^{۳۲} بسازیم، مجموعه‌هایی که نمی‌توان آنها را مجموعه کنگلومرای^{۳۳} نامید اگرچه به لحاظ محتوایی به آن بسیار نزدیکند. اما منظومه شهری (کان اوربیشن) چطور؟ به نظر می‌رسد این واژه بسیار مناسبی برای اطلاق به این پدیده نوظهور باشد (Geddes, 1915)".

از نظر گدس منظومه شهری نوعی ابر شهر است که با به هم پیوستن و ادغام شهرهایی که پیشتر از هم مجزا بوده‌اند به وجود می‌آید (Caves, 2005; Whittick, 1974; Johnston et al, 2000).

بر اساس واژه‌نامه مرییم وبستر^{۳۴} به لحاظ لغوی این واژه ترکیبی از پیشوند «con» به مفهوم پیوسته بودن یا با هم بودن و "urb" به معنای شهر است که در ترکیب، به معنای شهرهای به هم پیوسته است (به نقل از زبردست، ۱۳۸۷، ۴۲).

دو دیدگاه و تلقی در بین شارحان ایده‌های گدس درباره منظومه شهری قابل فهم است. بخش عمده‌ای از آنها منظومه شهری را نواحی شهری پیوسته‌ای تعریف می‌کند که از به هم پیوستن چندین شهر از پیش مستقل به وجود آمده است. پیوستگی کالبدی در این تلقی از منظومه شهری اصلی پایه محسوب می‌شود. اما به نظر می‌رسد نوع دیگری نیز می‌توان به آنچه در ذهن گدس وجود داشت نگاه کرد و آن اینکه وی درباره شهرهایی فکر و کار می‌کرد (در بستر زمانی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم) که از لحاظ کالبدی از هم جدا هستند اما به قدری به هم نزدیکند که امکان اثتلاف و ادغام آنها در آینده وجود دارد. همانگونه که روشن می‌شود، در این تلقی از منظومه شهری که کمتر مورد توجه واقع شده است، پیوستگی کالبدی، شرط محسوب نمی‌شود.

شناخته شده‌ترین فرد موثر بر رواج دیدگاه و تلقی اول از مجموعه شهری را می‌توان سی.ب. فاوست^{۳۵} دانست که در مطالعات خود درباره شهرهای بزرگ که در کتاب تاثیرگذارش "استان‌های انگلستان" (۱۹۱۹)^{۳۶} به چاپ رساند، تاثیر عمده‌ای بر مفهوم منظومه شهری داشته است. وی معنای بسیار محدودتری به آنچه در تعریف گدس درباره منظومه شهری است می‌دهد. از نظر وی منظومه شهری ناحیه‌ای است با مجموعه پیوسته مساکن، کارخانجات و دیگر بناها، بنادر، پارک‌های شهری و زمین‌ای بازی که از یکدیگر به واسطه وجود زمین‌های کشاورزی مجزا نیستند. اگرچه وی معترف است که چنین ناحیه شهری می‌تواند در درون خود شامل زمین‌های روستایی محصور باشد که هنوز به شکل یک حفره درون ناحیه پیوسته شهری به کشاورزی اشتغال دارد. به عبارت دیگر منظومه شهری از دید فاوست با مرزهای ناحیه ساخته شده فشرده شهری پایان می‌پذیرد (گولد، ۱۳۷۶، ۸۱۳، 237; Dickenson, 1964).

اگر تعریف و تلقی دوم از منظومه شهری گدس به مفهوم منطقه شهری چند هسته‌ای و یا مگالوپلیس شباهت داشته باشد، مفهوم منظومه شهری از دیدگاه فاوست که بعدها ملاک عمل مطالعات بعد از خود قرار گرفت، به مفهوم ابر شهر ساخته شده بیشتر شباهت

دارد که در آن ملاک "پیوستگی کالبدی چند شهر مستقل همجوار" از تعریف منظومه شهری حذف شده و این مفهوم به یک ناحیه شهری پیوسته‌ای قابل اطلاق است که می‌تواند از گسترش‌های متحدالمرکز یک شهر بزرگ نیز به دست آید [مانند تهران]. به این ترتیب فاوست به تعریف منظومه شهری مصادیق دیگری را نیز اضافه می‌کند با وجود این تلقی دوم از منظومه شهری را به کناری می‌گذارد. این تلقی که آن را می‌توان تلقی فاوستی از منظومه شهری نامید، آنقدر مورد تاکید قرار می‌گیرد که جان پار (Parr, 2007, 384) از نظریه پردازان اقتصاد فضایی معاصر همانند آثار دیگر (Small and Witheric, 1995) بر وجود دو نوع منظومه شهری تک هسته‌ای و چند هسته‌ای اذعان داشته و تاکید دارد که:

"[ابر] شهر ساخته شده می‌تواند نتیجه گسترش پیرامونی یک شهر در قالب نوارهای متوالی و پیوسته باشد مانند برلین، لندن و پاریس و یا به دلیل به هم پیوستن نواحی شهری مستقل همجوار به شکل یک ناحیه کلان‌شهری واحد ظاهر شود مانند بیرمنگام، بوستون، منچستر و... که دقیقاً با روح تعریف گدس از منظومه شهری همخوانی دارد. در هر صورت نباید به خود اجازه دهیم که بپذیریم ابر شهر ساخته شده [یا منظومه شهری] می‌تواند دارای قطعات غیرشهری مانند پارک‌ها و ذخیره‌گاه‌های طبیعی، نوارهای سبز و یا هر گونه محدودیت‌های کاربری زمین باشد که موجب عدم پیوستگی در سطح شهری شود."

با وجود غلبه این فهم از منظومه شهری هنوز در برخی منابع (Pitzel, 2004) و در تعریف منظومه شهری به مصادیقی از مگالوپلیس‌ها ارجاع داده می‌شود که روشن می‌کند تعریف و تلقی دوم از منظومه شهری هنوز مورد استفاده است که شرط پیوستگی کالبدی در آن اصل محسوب نمی‌شود.

۲-۳- ناحیه کلان شهری

این مفهوم پیش از آنکه نتیجه نوعی مفهوم سازی علمی باشد، یادآور نوعی تعریف رسمی و آماری از "نواحی شهری" در آمریکا است. مطالعات زبردست (۱۳۸۷، ۹۵-۷۷) نشان می‌دهد که این روش‌شناسی از سوی کشورهای دیگری نیز برای تعریف نواحی شهری و کلان‌شهری در چند دهه اخیر مورد اقتباس قرار گرفته است. از این رو، مفهوم ناحیه کلان‌شهری در این جارتباط چندانی با مفهوم کلان‌شهر چه از دید آماری و چه از دید هنجاری و جامعه‌شناختی ندارد. زیرا این مفهوم اساساً برای تعریف آماری از نواحی شهری در آمریکا ارائه شده است به طوری که هر ناحیه شهری با جمعیتی ۱۵۰۰۰۰ نفری می‌تواند از این عنوان بهره‌مند شود. با وجود این، بعد از گذر از آستانه جمعیتی خاص در تعریف آن، برای مثال یک میلیون نفر که در قالب مفهوم ترکیبی دیگری تعریف می‌شوند، می‌توان از انطباق این مفهوم با مفهوم "کلان‌شهر" در معنای خاص آن و به عنوان پایتخت منطقه‌ای بحث کرد.

از دهه ۱۹۱۰ اداره بودجه آمریکا واژه‌های مختلفی را برای توصیف مکان‌هایی که کاملاً شهری شده‌اند اما مرزهای سیاسی آنها مناسب چندانی با توصیف ناحیه مورد نظر ندارد، مورد استفاده قرار داد است. با وجود این، اولین باز تعریف نواحی کلان‌شهری

به همدیگر پیوند خورده‌اند که تجمع شهری به عنوان یک کل، نوعی منطقه شهری عملکردی را شکل می‌دهد (Hutchison, 2009, 838). اگر آستانه جمعیتی ۵ میلیون نفر را بپذیریم، در سال ۲۰۰۰ تعداد ۳۹ تجمع شهری در جهان وجود داشته است: مکان‌هایی مانند پاریس، استانبول و یا مسکو. شش تجمع بزرگ جهان شامل توکیو، مکزیکوسیتی، بمبئی، سائوپولو، نیویورک و لاگوس هستند. توکیو با جمعیتی حدود ۳۵ میلیون نفر، مکزیکوسیتی با ۱۹ میلیون و بمبئی با ۱۷ میلیون به ترتیب بزرگترین تجمع‌های شهری در جهان هستند (ibid).

واژه تجمع شهری دارای برخی معادل‌های مترادف است. شهر - منطقه، ابرشهر، ناحیه شهری شده، منطقه شهری عملکردی و حوزه شهری اگرچه نه در محتوا بلکه در مقصود مشابهند. هر کدام به تراکم‌های جغرافیایی جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی و به خوشه‌گیری فضایی شهرهای بزرگ و کوچک، شهرک‌ها و روستاها در قالب یک "ناحیه ساخته شده" اشاره دارند. واژه ناحیه کلان‌شهری در ایالات متحده مورد دیگری است که برای تعریف یک شهر مرکزی و سکونتگاه‌های حومه‌ای اطراف آن اشاره دارد. اما ناحیه کلان‌شهری یک ناحیه تک مرکزی است. با وجود این، با بزرگتر شدن ناحیه کلان‌شهری و شکل‌گیری شهر-لبه‌ها [گرایش به شکل چند مرکزی]، این دسته نواحی شباهت بیشتری به تجمع‌های شهری یافته است. مشابه‌ترین واژه‌ها به تجمع شهری مفهوم منظومه شهری است. براساس تعریف، در صورت غلبه الگوی چند هسته‌ای در منظومه شهری می‌توان از مشابهت آن با مفهوم تجمع شهری سخن گفت. در طرف مخالف، برخی محققان مدعی هستند که منظومه شهری شکل چند هسته‌ای یک تجمع شهری است. بنابراین تجمع شهری را به شکلی از توسعه تک هسته‌ای تقلیل می‌دهند. از سوی دیگر برخی محققان دیگر استدلال می‌کنند که مفهوم ناحیه کلان‌شهری را به‌آنگونه که در آمریکا تعریف شده است - و بسیار محدود به قلمروهای اداری و متکی بر شهر مرکزی است - نمی‌توان معادل تجمع شهری فرض نمود (ibid, 839).

در هر حال با وجود اغتشاش واژه شناختی موجود یک نکته نسبتاً روشن است و آن اینکه تجمع شهری چه مفهومی تک هسته‌ای باشد و چه مفهومی چند هسته‌ای، چه درونش سکونتگاه‌های روستایی وجود داشته باشد یا نداشته باشد، بر گستره ناحیه ساخته شده کالبدی دلالت دارد که تراکم سرجمع آن در حد تراکم شهری است. به عبارت دیگر تجمع شهری گستره ناحیه ساخته شده شهری است که فضاهای باز و نواحی روستایی که اغلب در هاله روستایی شهری وجود دارند، گسستگی در پیوستار فضایی این ناحیه ایجاد نمی‌کنند.

۲-۶- منطقه شهری عملکردی

در نیم قرن گذشته، یک رشته از تحقیقات در پی آن بوده‌اند تا شهر را با بازارهای کار فضایی گسترده‌اش در ارتباط با هم ببینند. در بریتانیا این امر مستلزم مطالعه سفرهای آونگی و بسیار اخیرتر در تلاش برای تعریف نواحی سفر-به-کار^{۲۸} نمود پیدا کرده است که اول بار در سال ۱۹۵۳ مطرح شد. در آمریکا این رویکرد تقریباً متفاوت بوده است و این تفاوت احتمالاً بازتاب گستره وسیع‌تر

در آمریکا با عنوان نواحی کلان‌شهری استاندارد (SMA) در سال ۱۹۴۹ انجام شد که در سال‌های ۱۹۵۹ و ۱۹۸۳ به ترتیب جای خود را به مفاهیمی چون ناحیه آماری کلان‌شهری استاندارد (SMSA) و ناحیه آماری کلان‌شهری (MSA) تغییر صورت داد. اکنون واژه شناسی مرجع برای چنین نواحی از دهه ۱۹۹۰ به بعد اصطلاح "ناحیه کلان‌شهری (MA)" است که هم برای نواحی آماری کلان‌شهری و هم نواحی آماری کلان‌شهری یکپارچه (CMSA) به کار می‌رود. تعریف کنونی برای ناحیه کلان‌شهری مکانی است که دارای حداقل یک شهر با جمعیت ۵۰۰۰۰ نفر (شهر مرکزی) بوده و جمعیت کلان‌شهری آن بالغ بر ۱۰۰۰۰۰ نفر (۷۵۰۰۰ نفر در نیوانگلند) باشد (Pitzl, 2004; Shumsky, 1998). در خارج از آمریکا، این واژه اگرچه کاربرد محدودتری دارد، با این وجود بیشتر با مفهوم منظومه شهری، ابرشهر و تجمع شهری نزدیک است که هر سه مفهوم برگستره شهری ساخته شده تاکید دارند.

۲-۴- ابرشهر

نخستین کاربرد واژه ابرشهر در مورد تجمع‌های بسیار بزرگ شهری از سوی جانیس پرلمان^{۲۷} در اواسط دهه ۱۹۷۰ صورت گرفته است. میزان جمعیت معیار اصلی تعاریف ابرشهر است. ابرشهرها بسته به زمان و منبع تعریف (مانند بانک توسعه آسیایی یا سازمان ملل) کلان‌شهرهایی تعریف شده‌اند که دارای جمعیتی بیش از ۵، ۸، یا ۱۰ میلیون نفر هستند. در برخی تعاریف، حداقل تراکم جمعیتی ۲۰۰۰ نفر در کیلومتر مربع مورد تاکید قرار گرفته است. گاهی منظومه‌های شهری وسیع با تراکم‌های جمعیتی کمتر نیز در زمره ابرشهرها دسته‌بندی شده‌اند (مانند ناحیه روهر در آلمان یا شهر - حومه یکپارچه تورنتو در کانادا) (Caves, 2005, 454). اگرچه [از دید کمی] ابرشهرها در کشورهای در حال توسعه اکنون بر شرکای دنیای صنعتی خود برتری یافته‌اند، با این وجود فاقد نفوذ جهانی اقتصادی و سیاسی هستند که ابرشهرهایی چون نیویورک، لندن، توکیو و یا پاریس را سزاوار عنوان جهان شهر یا شهر جهانی کرده است (ibid). بر اساس تعریف، مفهوم ابرشهر بیشتر یک مفهوم آماری از شهرهای بسیار بزرگ است و می‌تواند با مفهوم کلان‌شهر و منظومه شهری به لحاظ مشخصه‌های فضایی شباهت‌های بسیاری داشته باشد.

۲-۵- تجمع شهری

سازمان ملل متحد، تجمع شهری را "قلمروهای پیوسته جمعیتی با سطح تراکم مسکونی شهری" بدون توجه به مرزهای اداری سیاسی موجود در آنها - تعریف می‌کند. این تعریف محتوی این ایده است که تجمع شهری شامل طیف مکان‌هایی است از شهرهای بزرگ تا روستاهای کوچک با تراکم پایین و حتی روستایی که درون آنها پخش شده است به طوریکه الف: یک تجمع شهری دارای تراکم جمعیتی است که از سطح روستایی فراتر بوده به طوریکه می‌تواند به عنوان تراکم‌های شهری دسته‌بندی شود. ب: تجمع شهری شامل یک یا چند شهر بزرگ و تعدادی شهرها و شهرک‌های کوچک‌تر است. علاوه بر این تجمع شهری دارای شکلی چند هسته‌ای و یا چند مرکزی است. پ: مکان‌های مختلف درون تجمع شهری به گونه‌ای

مجموعه‌های کنگلومرایی برای اطلاق به این پدیده استفاده کرده است. اما به نظر می‌رسد از دید وی، واژه شهر-منطقه یا دیگر واژه‌ها، فاقد معنی و محتوای روشن و خاص برای اطلاق به چنین پدیده‌هایی بودند. به عبارت دیگر این واژه فارغ از معنایی خاص در نوشته‌های گدس وجود داشته است (Geddes, 1915).

اگر چه به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران علوم منطقه‌ای (Camagni, 2001; Porter, 2001) مفهوم منطقه و به ویژه شهر-منطقه تحت تأثیر جهانی شدن در حال تبدیل شدن به نقطه کانونی مهم در عرصه اقتصادی و تبع آن سیاستگذاری است، با وجود این به نظر می‌رسد هیچ تعریف مشترک پذیرفته شده‌ای برای این واژه وجود ندارد (Parr, 2005). مطالعات پار نشان می‌دهد که در بریتانیا چهار نوع تلقی از شهر-منطقه در متون و اسناد مرتبط این کشور وجود دارد که هرکدام ماهیت و گستره جغرافیایی متفاوتی را شامل می‌شود به طوری که طیفی از مناطق رسمی یا اداری بزرگ (نه منطقه در انگلستان) تا خرد منطقه‌های منتج از تقسیم این مناطق اداری و... را دربر می‌گیرد (Parr, 2005, 563-564).

با این وجود، بسیاری از اندیشمندان علوم منطقه‌ای یادآوری کرده‌اند شهر-منطقه [کلان شهری] یک هویت عملکردی و یک منطقه گرهی است. از این رو در تعریف آن به جای تأکید بر ویژگی‌هایی چون همگنی درونی و یا تمایز درونی در ارتباط با دیگر مناطق، بر روابط عملکردی بین شهر مرکزی و محیط پیرامون تأکید می‌شود. اولین تلاش برای صورتبندی ساختار فضایی کلی شهر-منطقه‌ها یا مناطق کلان شهری توسط جامعه شناس آمریکایی آر. دی. مکنزی^{۳۱} در سال ۱۹۳۳ انجام شده است که بعدها با تحقیقات افرادی چون دیکنسون (Dickenson, 1964, 12-13) ادامه یافت. اگر از تحقیقات گذشته گذر کنیم، یکی از اخیرترین تلاش‌ها در تعریف ساختار شهر-منطقه‌ها، مجموعه تحقیقات جان پار (Parr, 2005) از دانشگاه گلاسگو است.

از دید وی، شهر-منطقه دارای دو عنصر سازنده اصلی است: شهر (ناحیه مرکز) و قلمرو پیرامون آن (ناحیه پیرامون). این دو دسته ناحیه یا زون شکل جامع و مانعی به تعریف شهر-منطقه می‌بخشد. ناحیه م یا مرکز شامل یک ناحیه شهری و ساخته شده پیوسته‌ای است با جمعیتی که از یک حداقل مشخص بیشتر است. این ناحیه می‌تواند در اصل یک کلان‌شهر باشد که در اثر رشد مداوم و پیرامونی یک شهر شکل گرفته است [منظومه شهری در تعریف فاوست] یا یک ناحیه شهری که از به هم پیوستن چند مرکز شهری مستقل به وجود آمده است [منظومه شهری در معنی دقیق گدس]. در کل ناحیه مرکز، هم هسته تاملین خدمات محسوب می‌شود و هم گره مهم ارتباطات و حمل و نقل. این ناحیه همچنین کانون مالکیت، کنترل، سازمان‌های تجاری و یا بازرگانی و نهادهای اداره عمومی است.

ناحیه پ یا پیرامون در طرف دیگر، قلمروی است که بیشترین ارتباط و پیوند را با ناحیه مرکز شهر-منطقه دارد. ناحیه پ به نسبت جمعیت روستایی دارای جمعیت شهری نیز هست و هرچه

کشور و سطح بالای جریان‌های سفر روزانه بوده است. برای برخورد با پیچیدگی موضوع سفرهای آونگی در تعریف مناطق شهری (Parr, 2007, 383) و همزمان با نارضایتی از مفهوم ناحیه عملکردی موجود یعنی ناحیه آماری کلان‌شهری استاندارد به عنوان واحد تحلیل (Parr, 2005, 563) برایان بری و همکارانش^{۳۲} در سال ۱۹۶۸ مفهوم جدیدی را با عنوان ناحیه اقتصادی عملکردی^{۳۲} مطرح کردند. از دید بری برای یک بازار کار ویژه (مجموعه شهرستان‌هایی که نیروی کار را به طور روزمره به شهرستان مرکزی می‌فرستند) ناحیه اقتصادی عملکردی عبارتند از: "همه آن شهرستان‌های درون بازار کار که برای آنها نسبت کارگران ساکن که به شهرستان‌های مرکزی سفر می‌کنند فراتر یا بیشتر از نسبت افرادی است که به دیگر شهرستان‌های مرکزی سفر می‌کنند".

مفهوم ناحیه اقتصادی عملکردی با جرح و تعدیل‌هایی بعدها در اروپای غربی نیز به کار گرفته شد. این مفهوم در اروپا به منطقه شهری عملکردی تغییر نام داد. در مطالعه‌ای از مناطق شهری شش کشور اروپایی که از سوی بروئل در سال ۲۰۰۲ به انجام رسید، آن محدوده یا شهرداری جزء منطقه شهری عملکردی محسوب شده است که حداقل ۱۰ درصد نیروی شاغل آن برای کار به شهر یا کلان‌شهر مرکزی سفر می‌کنند. محاسبه بر این مبنا، گستره این هویت فضایی جدید را بسیار وسیع می‌سازد. مساله‌ای که در کاربرد این مفهوم در اروپا روی می‌دهد گستره بسیار وسیع این هویت فضایی است: بیش از ۱۵۰ کیلومتر قطر در مورد پاریس و لندن. ارزش نظری واقعی این مفهوم در توانایی آن برای برجسته ساختن پیوند‌های بین ناحیه شهری ساخته شده و قلمرو پیرامونی است (Parr, 2007, 383) یقیناً هر چه میزان این درصد کمتر گردد، منطقه شهری عملکردی وسعت بیشتری خواهد داشت (Parr, 2005, 563).

این نوع منطقه نیز همانند مفهوم شهر-منطقه شامل دو بخش مرکز و قلمرو پیرامونی است. از دید جان پار منطقه شهری عملکردی در شکل خاص خود مقیاس یا مفهوم دیگری از شهر-منطقه است (Parr, 2005, 563-4) که بیشتر بر اساس سفرهای آونگی تعریف می‌شود و همانند آن می‌تواند برای هر منطقه عملکردی که پیرامون هسته‌های شهری و کلان‌شهری با اندازه‌های مختلف شکل می‌گیرد، به کار رود.

۲-۷- شهر-منطقه

مفهوم شهر-منطقه با وجود کاربرد پذیری گسترده‌اش هنوز یکی از مفاهیم مبهم و چالش برانگیز در این حوزه به شمار می‌آید. واژه شهر-منطقه [به عنوان مفهومی خاص برای اطلاق به پدیده‌ای فضایی] اول بار در سال ۱۹۴۷ از سوی رابرت دیکنسون مطرح گردید (Parr, 2005). اما لازم به یادآوری است که گدس در دهه ۱۹۱۰ و در کتابش "شهرها در تحول" در جستجو برای یافتن مفهومی متناسب برای پدیده‌های نو ظهوری مانند منظومه‌های شهری از واژه‌هایی چون شهر-منطقه، مجموعه‌های شهرکی و

شهر - منطقه‌های توسعه یافته تر باشد، سهم جمعیت شهری آن بیشتر است. جمعیت شهری این قلمرو در مراکز با اندازه جمعیتی متفاوت استقرار یافته‌اند و ممکن است یکی یا چند مرکز موجود در این قلمرو نسبت به ناحیه مرکز به نسبت دارای اندازه بزرگی باشند. ناحیه پ ناحیه‌ای است برای تولید مواد غذایی و مواد خام و در بسیاری موارد کالاهای کارخانه‌ای. این ناحیه همچنین قلمرویی است برای تولید خدمات تفریحی و در ضمن منبع مهمی برای تامین نیروی کار و سرمایه شهر مرکزی (ibid).

۲-۸- منطقه کلان شهری

از دید اندیشمندان گذشته مانند مکزی و دیکسون، تفاوتی بین مفهوم شهر - منطقه و منطقه کلان شهری به لحاظ ماهیت و ساختار فضایی وجود ندارد، اگرچه مطالعات دانشگاهی اخیر به ویژه تحت تاثیر جهانی شدن معنای هنجاری ویژه‌ای به شهر - منطقه بخشیده است که آن را از منطقه کلان شهری متمایز می‌سازد. مفهوم شهر - منطقه کلان شهری به عنوان یک هویت جغرافیایی با ارجاع به گستره فضایی دقیق ارتباطات خاص با شهر قابل تعریف است. دیکسون چهار فرایند اصلی موثر را تعریف می‌کند که با همدیگر کار می‌کنند، به طور متقابل بر همدیگر اثر می‌گذارند و به ما اجازه می‌دهند تا فضای شهر - منطقه کلان شهری را تعریف کنیم. اگر چه مرزها و شاخص‌های این چهار فرایند منطبق بر خطوط روشن جغرافیایی روی نقشه نیستند، اما ماهیتی هاله مانند دارند. این فرایندها عبارتند از شبکه روابط تجاری، روابط اجتماعی، جریان جمعیت و اثرات شهر مرکزی بر کاربری زمین نواحی پیرامونی (Dickenson, 1964, 28).

اگر از واژه شناسی جغرافیایی زمان استفاده کنیم، منطقه کلان شهری نیز همانند شهر - منطقه ساختاری است که متاثر از خط سیرهای افراد در زندگی روزمره شان شکل می‌گیرد، که این خود یادآور مفهوم مهم دیگری است و آن "فضای جریان‌ها" است. در این دید، منطقه کلان شهری به عنوان فضای جریان‌ها تعریف می‌شود به ویژه بر حسب سفرهای آونگی بین نواحی مسکونی و مکان‌های مرکزی (Hutchinson, 2009, 510). علاوه بر این، تعریف دیگری نیز از منطقه کلان شهری به ویژه در سال‌های اخیر ارائه شده است که تعریفی آماری و رسمی از این مفهوم است که البته هم تحت تاثیر معیارهای عملکردی و هم آماری و جمعیتی ارائه می‌شود.

تعریف ارائه شده از منطقه کلان شهری از سوی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD, 2006) به تبعیت از تعریف آماری از "کلان شهر" بنا شده است. تمامی شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت در کشورهای عضو این سازمان در صورت دارا بودن چند پیش شرط به عنوان منطقه کلان شهری تعریف می‌شوند. تعریف ارائه شده از این سازمان بر اساس سه معیار اندازه شهر مرکزی، تراکم و سفرهای آونگی تعریف شده است. به این ترتیب که اگر در ناحیه مورد بررسی کمتر از ۱۵ درصد جمعیت در اجتماعات با تراکم کمتر از ۱۵۰ نفر در کیلومتر مربع زندگی می‌کنند آن ناحیه به عنوان یک ناحیه شهری محسوب خواهد شد. حال اگر در این ناحیه

شهر - منطقه توسعه یافته تر باشد، سهم جمعیت شهری آن بیشتر است. جمعیت شهری این قلمرو در مراکز با اندازه جمعیتی متفاوت استقرار یافته‌اند و ممکن است یکی یا چند مرکز موجود در این قلمرو نسبت به ناحیه مرکز به نسبت دارای اندازه بزرگی باشند. ناحیه پ ناحیه‌ای است برای تولید مواد غذایی و مواد خام و در بسیاری موارد کالاهای کارخانه‌ای. این ناحیه همچنین قلمرویی است برای تولید خدمات تفریحی و در ضمن منبع مهمی برای تامین نیروی کار و سرمایه شهر مرکزی (ibid).

ساختار تعریف شده برای مفهوم شهر - منطقه در این جا به گونه‌ای است که کاملاً تعمیم پذیر به دیگر مفاهیم مقیاس کلان مانند منطقه کلان شهری است. اگر بخواهیم بین منطقه کلان شهری و شهر - منطقه تمایزی ایجاد کنیم، می‌توان گفت که منطقه کلان شهری، شهر - منطقه‌ای است که در هسته آن یک کلان شهر با ماهیت کلان شهری قرار دارد نه هر شهری با هر ویژگی و مقیاسی. مفهوم شهر - منطقه از دید مشخصه‌های فضایی و با کاربردی که در متون مختلف یافته است، به استثنای بعد هنجاری تعریف آن که تحت تاثیر جهانی شدن نوعی بازحیات بخشی در متون دانشگاهی و اسناد سیاستی یافته است به گونه‌ای است که برای بسیاری از مفاهیم پیش گفته مانند منظومه شهری، تجمع شهری، منطقه کلان شهری، ابرشهر و تجمع شهری قابلیت کاربرد دارد. از دید رابرت بیورگارد (۲۰۰۹)، یکی از ویراستاران دایره المعارف مطالعات شهری، این نه به دلیل فراگیری و شمولیت تئوریک بلکه به دلیل عدم دقت در تعریف شهر - منطقه است (Hutchison, 2009, 840).

از دید ریخت شناختی، برخی از محققین، شهرمنطقه‌ها را پیشرفته‌ترین مرحله توسعه شهری می‌دانند. این شکل جدید، متفاوت از الگوی توسعه کلان شهری سنتی است که در آن شهر یا کلان شهر مرکزی تسلط و کنترل سیاسی، اقتصادی و نمادینی را بر پیرامون خود اعمال می‌کند. مفهوم شهر منطقه در ادبیات معاصر بیشتر نشان دهنده نوعی چند مرکزیت و یا رد تسلط کلان شهری است (Bevir, 2007, 83-84). افراد دیگری نیز با وجود مناسب دانستن استفاده از این مفهوم در مطالعه شهر و محیط پیرامونی تاکید دارند که این مفهوم ضرورتاً برای همه شهرها و در همه زمینه‌ها قابل کاربست نیست (Collin et al, 2003, 26). اگر مفهوم منطقه کلان شهری در پی تاکید بر روابط عملکردی است که شهرها و نواحی پیرامونی آنها را وحدت می‌بخشد، مفهوم شهر - منطقه در سال‌های اخیر به آن ابعاد کارکردی مناطق کلان شهری ارجاع داده می‌شود که بر حسب خلاقیت، نوآوری و رقابت پذیری اقتصاد جهانی تعریف می‌شود (Hutchison, 2009, 512).

روشن است که وجود این چنین پیش شرط هنجاری در استفاده از این مفهوم باعث می‌شود در بسیاری از متون مرتبط با جهانی شدن و توسعه شهری در دو دهه اخیر (Scott, 2001; Sassen, 2001)، مفهوم شهر - منطقه و شهر - منطقه‌های جهانی بدل به مفهومی یگانه و بدون جانشین گردد. زیرا این شهرها و

و مقیاس مجموعه شهری به هیچ وجه نمی توان از مفهوم منظومه شهری یا مفاهیم مشابه آن مانند ناحیه کلان شهری یا تجمع شهری برای اطلاق آن بهره برد.

۲-۱- منطقه شهری چند هسته ای

منطقه کلان شهری، شهر-منطقه و منطقه شهری چند هسته ای سه مفهومی هستند که به ترتیب میزان غلبه مرکز بر پیرامون مرتب شده اند. اگر در مفهوم منطقه کلان شهری غلبه و تسلط مرکز بر شهرها و محیط پیرامونی در اوج خود قرار دارد، این شرایط در شهر-منطقه کمتر شده و در مناطق شهری چند هسته ای به حداقل خود می رسد. به عبارت دیگر تفاوت اصلی در میزان غلبه شهر اصلی بر پیرامون است.

چند مرکزگرایی اساساً به معنی وجود چندین مرکز در یک ناحیه مشخص است که به نظر می رسد در دو دهه اخیر به چشم انداز شهری غالب در کشور های پیشرفته بدل شده است (Kloosterman and Musterd, 2001, 623). سال ۱۹۹۹ نقطه عزیمت جریان چند مرکزگرایی در اروپا بود که با انتشار چشم انداز توسعه فضایی اروپایی (ESDP)^{۳۳} تحقق پیدا کرد. مجموعه سیاست های این چشم انداز از آن پس در پی تقویت چند مرکزیت در اروپا بر آمده است (Albrecht, 2001, 298). این چند مرکزیت، هم در سطح قاره ای و هم در سطح ملی و خرد ملی دنبال شده است. در سطح ملی به تبعیت از سیاست های چشم انداز توسعه فضایی اروپایی بسیاری از کشور ها از جمله انگلستان (Wong, 2002)، اسپانیا (Farinos et al, 2005) و هلند (Needham, 2005) دست به تغییر نظام برنامه ریزی ملی زده و گذار به برنامه ریزی فضایی^{۳۴} با هدف تعادل بخشی به توسعه قلمرویی و ایجاد و تقویت نهاد های منطقه ای را در پیش گرفته اند. در سطح قاره ای نیز چند مرکزیت در قالب اعتلای مراکز آلترناتیو در بیرون از پنتاگون معروف اروپایی^{۳۵} (اروپای شمال غربی) دنبال شده است (Hall and Pain, 2006, 4). مناسب ترین ترجمان سیاست چند مرکزیت در سطح محلی را می توان اعتلای الگوی توسعه چند هسته ای در مناطق کلان شهری یا شهر منطقه ها دانست.

مرور متون صورت گرفته از سوی میجر (Meijers, 2005, 765) حاکی از این است که با وجود محدودیت متون مرتبط با این مفهوم، طیف متنوعی از مفاهیم مترادف با آن به کار رفته است مانند شهر-منطقه چند هسته ای^{۳۶}، شهرهای شبکه ای^{۳۷}، شبکه های شهری^{۳۸}، و مناطق کلان شهری چند هسته ای^{۳۹}. مفهوم منطقه شهری چند هسته ای را می توان از بعد ساختار فضایی و روابط بین شهری با مفاهیم کهن تری مانند شهر پراکنده^{۴۰}، مگالوپلیس و ایده شهر منطقه ای^{۴۱} مامفورد در ارتباط دید. متون مختلف، منطقه شهری چند هسته ای را مجموعه ای از شهرهای به لحاظ تاریخی متمایز و به لحاظ سیاسی و اداری مستقل تعریف می کند که در همجواری همدیگر قرار گرفته و از طریق زیرساخت های لازم دارای پیوند مناسبی با هم هستند. راندشتات یکی از نمونه های اعلای منطقه شهری چند هسته ای است.

شهری، شهر یا منطقه شهری با بیش از یک میلیون نفر وجود داشته باشد باید پیش شرط های دیگری مانند سفرهای آونگی را ملاحظه نمود تا به حدود منطقه کلان شهری دست یابیم. اگر نواحی همپیوند با این شهر مرکزی دارای جمعیتی بیش از ۵۰۰ هزار نفر باشد و جمعیت کل ناحیه یک و نیم میلیون گردد، این قلمرو به عنوان منطقه کلان شهری تعریف می شود^{۳۳}. همانگونه که اشاره شد، اگرچه در آغاز مفهوم سازی شهر-منطقه و منطقه کلان شهری تمایزی بین این دو وجود نداشت، ولی تغییرات در کاربرد مفهوم شهر-منطقه و بسط کاربرد آن به ویژه در دو دهه اخیر نوعی معنای زمینه ای خاصی به آن بخشیده است که آن را از مفهوم منطقه کلان شهری، متفاوت می سازد (ر.ک به تعریف شهر-منطقه).

۲-۹- مجموعه شهری

مفهوم مجموعه شهری اول بار در مصوبه طرح ریزی و مدیریت مجموعه شهری تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور و شهرهای اطراف آنها مصوب ۱۳۷۴ مطرح شد. در اینجا اشاره به مختصات مجموعه شهری تهران می تواند در شناخت ماهیت این مفهوم به صورت تطبیقی کمک کند. تهران به عنوان پایتخت ایران و یک ابرشهر ساخته شده با وسعت حدود ۷۰۰ کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر هشت میلیون نفر در مرکز هندسی مجموعه شهری تهران قرار گرفته است. مجموعه شهری تهران جمعیتی بالغ بر ۱۳ میلیون نفر داشته و مساحتی نزدیک به ۱۶۰۰۰ کیلومتر مربع را پوشش می دهد. جمعیت کنونی شهر تهران به عنوان کلان شهر مرکزی مجموعه شهری نزدیک به ۶۰ درصد کل جمعیت منطقه را به خود اختصاص می دهد و شامل ۲۲ منطقه شهرداری است که در مجموع ۴/۷ درصد مساحت کل منطقه را به خود اختصاص داده است. مجموعه شهری تهران بیش از ۹۰ درصد مساحت استان تهران را دربر می گیرد. در حال حاضر این محدوده متشکل از ۱۳ شهرستان و بیش از ۳۰ بخش (قلمروهای حکومتی) و بیش از ۵۰ محدوده شهرداری (قلمرو مدیریتی) است. در مجموعه شهری تهران منطقه کلان شهری تهران نزدیک ۱۲۰۰ نقطه روستایی وجود دارد که حدود ۴۰۰ مورد آنها دارای دهیاری یا نظام مدیریت مستقل روستایی هستند.

بر اساس تحقیق زبردست (۱۳۸۷، ۲۱۸) در گزارش پژوهشی تعریف مجموعه شهری و تعیین شاخص های آن، مجموعه شهری محدوده ای است جغرافیایی که از یک شهر مرکزی و حداقل دو شهر پیرامونی و نواحی روستایی ما بین آنها تشکیل شده است که تمامی شهرهای پیرامونی آن با شهر مرکزی یکپارچگی اقتصادی، اجتماعی و خدماتی دارند. بر اساس این تعریف و توصیف جغرافیایی مجموعه شهری تهران، نزدیکترین مفهوم جهانی به آن، مفهوم منطقه کلان شهری یا منطقه شهری عملکردی است. به دلایل وجود ابعاد هنجاری مستتر در تعریف شهر منطقه، نمی توان از این مفهوم برای اطلاق به مجموعه های شهری در ایران استفاده کرد، ولی آنچه مسلم است این که به دلیل ماهیت، ساختار فضایی

۱۱-۲- مگالوپلیس یا زنجیره شهری

مگالوپلیس اولین مفهوم سازی در سطح فرا شهر - منطقه‌ای است که بعد از چهار دهه، الهام بخش مفهوم سازی‌های دیگری در نوع خود بوده است. مفاهیمی مانند ابرمنطقه در آمریکا و حتی ابر شهر - منطقه چند هسته‌ای در آسیا ملهم از آن شکل گرفته‌اند. دایره‌المعارف شهر (Caves, 2005, 455) تصریح می‌کند که اولین کاربرد این واژه در نقد کلان‌شهری شدن بزرگ مقیاس از سوی لونی‌مافورد (درسال ۱۹۳۸) اتفاق افتاده است. وی فصلی از کتاب فرهنگ شهرها را تحت عنوان "ظهور و افول زنجیره شهری یا مگالوپلیس" به نقد نقش استثماری عریان این شکل از توسعه اختصاص داد که به قیمت نحیف تر شدن پسرکانه خود روز به روز فربه‌تری بیشتری پیدا می‌کرد. مگالوپلیس یا زنجیره شهری که مشتق از دو واژه یونانی "مگا" و "پولیس" است معرف شهری بسیار عظیم است.

همزمان با انتشار این اثر از مامفورد و حتی بعدتر، جغرافی دان شهیر فرانسوی ژان گاتمن در طی سه دهه متوالی ۱۹۳۰، ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ مدیریت پروژه‌های با عنوان "تحقیق درباره مگالوپلیس" را به عهده داشت. در این پروژه پایگاه آماری استفاده می‌شد تا بتوان براساس آن شهرستان یا کانتی‌های کلان‌شهری را از غیر کلان‌شهری تمیز داد. نقشه تهیه شده براساس این داده‌ها به روشنی نشان می‌داد یک سری از شهرستان‌های کلان‌شهری به صورت غیر منقطع از حومه بوستون تا ماساچوست و حومه واشنگتن دی. سی^{۳۲} گسترش یافته‌اند. از این نقشه روشن می‌شد که شکل شهری جدیدی در حال ظهور است. آنچه در حال شکل‌گیری بود ناحیه شهری توسعه یافته و واحدی بود که در طول ۵۰۰ - ۶۰۰ مایل در ساحل شمال شرقی آمریکا گسترش می‌یافت (Pitzl, 2004).

از دید دایره‌المعارف مطالعات شهری (Hutchison, 2009, 501-2) از جمله نمونه‌های مطرح مگالوپلیس آمریکایی [به غیر از ساحل شمال شرقی با ۴۲ میلیون جمعیت در سال ۲۰۰۰] می‌توان به کریدور میلوکی-شیکاگو - دیترویت - پیتسبورگ^{۳۳}، لس آنجلس بزرگ - سن دیه گو - تیجوانا^{۳۴} و شاید منطقه شهری سان فرانسیسکو - سن خوزه - ساکرامنتو^{۳۵} اشاره کرد. از دیگر موارد خارج از آمریکا می‌توان به کریدور توکیو - ناگویا - اوزاکا با بیش از ۸۰ میلیون جمعیت، مناطق شهری با مرکزیت سائوپولو - ریودوژانیرو، یکن - تیان‌جین - تانگشان^{۳۶} و دلتای رودخانه مروارید^{۳۷} (هنگ کنگ - گوانگژو) و دلتای رودخانه یانگتسه^{۳۸} (شانگهای بزرگ) اشاره کرد.

آنچه از مصادیق اشاره شده در منابع مختلف از مگالوپلیس به دست می‌آید اینکه این مفهوم از لحاظ ماهیت و مقیاس فضایی بسیار نزدیک به مفاهیم دیگری چون ابر منطقه (باز تعریف آمریکایی مگالوپلیس بعد از ۲۰۰۰) و ابر شهر - منطقه چند هسته‌ای (باز تعریف آسیایی مگالوپلیس در دهه ۱۹۹۰) است. اگرچه دایره‌المعارف جدید مورد اشاره در ذکر مصادیق تفاوتی را بین مگالوپلیس و ابر شهر - منطقه ایجاد نمی‌کند، با وجود این تفاوت نسبتاً ظریفی بین ابر شهر - منطقه آسیایی و یا اروپایی و مگالوپلیس یا ابر منطقه

آمریکایی وجود دارد زیرا همانگونه که کاستلز (۱۳۸۰، ۴۷۲-۳) نیز تاکید دارد، ابر شهر منطقه چند هسته‌ای چه نمونه آسیایی و چه نمونه اروپایی آن یک شهر منطقه منسجم کارکردی ولو در مقیاسی بسیار بزرگ است. از این رو به لحاظ ماهیت، متفاوت از یک مگالوپلیس کلاسیک است که بیشتر نتیجه همجواری فضایی شهر منطقه‌های کارکردی مستقل است. مگالوپلیس و مفاهیم هم رتبه آن از لحاظ مقیاس فضایی بزرگترین انواع منطقه‌های شهر - بنیاد محسوب می‌شوند که از کنار هم قرار گرفتن مناطق شهری به لحاظ عملکردی مستقل شکل می‌گیرند.

۱۲-۲- ابر شهر - منطقه

این مفهوم اول بار به عنوان باز تعریفی از مگالوپلیس در آسیا و در نام گذاری سازمان فضایی در حال شکل‌گیری پیرامون دلتای رودخانه مروارید مطرح شد. با این وجود، ابر شهر منطقه هم از لحاظ لغوی و هم از دید مصادیق کاربرد آن در اروپا و حتی آسیا تفاوت ماهوی چندانی با مفاهیم منطقه کلان‌شهری، شهر - منطقه و منطقه شهری چند هسته‌ای ندارد، مگر مقیاس فضایی آن که گسترده‌ای بسیار بزرگتر از یک شهر - منطقه متعارف را در بر می‌گیرد. اگر چه - همانگونه که پیشتر اشاره شد - مفهوم شهر - منطقه تلویحاً بر چند مرکزیت تاکید دارد، با وجود این اگر خواسته شود بر چند مرکزیت ابر شهر - منطقه‌ها تاکید مضاعفی شود، از مفهوم ابر شهر - منطقه چند هسته‌ای^{۳۹} استفاده خواهد شد.

از دید پیتر هال و کتی پین (2006, 3) اگرچه ژان گاتمن اولین بار در سال ۱۹۶۱ در اثر پیشگام خود با عنوان "مگالوپلیس" الگوی اولیه ابر شهر - منطقه‌ها را تعریف نمود و مارتین مگریچ و جان پار^{۴۰} در سال ۱۹۹۷ الگوهای مشابهی را در پیرامون لندن باز شناختند، با وجود این باز تعریف جدید آن در آسیای شرقی صورت گرفته است در نواحی مانند دلتای رودخانه مروارید، دلتای رودخانه یانگتسه چین و جاکارتای بزرگ. این یک شکل جدیدی از سازمان فضایی و اسکان بشر محسوب می‌شود که مانوئل کاستلز (۱۳۸۰، ۴۷۱) آن را نتیجه فرایند قطب‌گرایی فضایی بین کلان‌شهری^{۴۱} می‌داند. ابر شهر منطقه دلتای رودخانه مروارید یکی از شناخته شده ترین نمونه این هویت فضایی جدید در آسیاست که در منطقه‌ای به وسعت ۵۰ هزار کیلومتر مربع گسترده شده و بسته به این‌که مرزهای آن را در کجا تعریف کنیم، جمعیتی بین ۴۰ تا ۵۰ میلیون نفر را دربر می‌گیرد (Hall and Pain, 2006, 3).

پیتر هال تاکید دارد که این ابر شهر منطقه‌ها صرفاً پدیده‌هایی خاص آسیا نیستند. تحقیقات اخیر در آمریکا ده ابر منطقه یا ناحیه مگالوپلیتی تعریف کرده‌است که ۱۹۷ میلیون آمریکایی در آن ساکنند و این اشکال جدید واقعیت‌هایی هستند که در اروپا نیز مشاهده و بررسی شده‌اند (ر.ک. به تعریف ابر منطقه). اخیرترین مطالعه در این زمینه در اروپا تحقیقاتی است که سر پیتر هال و کتی پین طی آن تلاش کرده‌اند تا ۸ نمونه از این ابر شهر - منطقه‌های اروپایی را مورد مطالعه قرار دهند: ابر شهر - منطقه‌هایی چون لندن، پاریس، راندشتات، راین روهر، راین ماین، منطقه شمال سوئیس، دوبلین بزرگ و بلژیک مرکزی (ibid).

ویژگی های محیطی، فرهنگی، زیرساختی و کارکردی همه طرح ها را وادار می کند تا نواحی بزرگی از نواحی غیر کلان شهری و روستایی را در محدوده ابر منطقه قرار دهند (ibid, 115).

۳- گونه شناسی مفاهیم مرتبط با منطقه شهر-بنیاد

هدف اصلی این مقاله ارائه تعاریف فضایی، انجام نوعی گونه شناسی و تبارشناسی از مفاهیم مختلف مرتبط با منطقه شهر- بنیاد است (رجوع کنید به جدول ۳ و نمودار ۱). از دید منطقی دو شکل بسیار کلی از منطقه شهر- بنیاد قابل تصور است که بر حسب وجود یا فقدان معیار پیوستگی کالبدی بین اجزای سازنده از هم قابل تفکیک هستند (تصور دوگانه از مفهوم منظومه شهری گدس نیز ناظر بر این دوگانگی منطقی و ممکن است). اشکال دسته اول این مفاهیم که بر پیوستگی کالبدی تاکید دارند، ناظر بر یک ابر شهر ساخته شده بزرگ و در برخی موارد بسیار بزرگ است که می تواند در دو ساختار فضایی متفاوت ظاهر شود: الف) ابر شهر ساخته شده ای که ناشی از گسترش متحدالمرکز یک شهر و یا کلان شهر است؛ ب) ابر شهر ساخته شده ای که با گسترش کالبدی و به هم پیوستن چندین شهر از پیش مستقل موجود در ناحیه شکل می گیرد (منظومه شهری در معنای دقیق گدسی آن). همانگونه که اشاره شد، این دسته مفاهیم منطقه شهر بنیاد را می توان بر حسب معیار پیوستگی کالبدی از دیگر مفاهیم بازشناخت. این مفاهیم عبارتند از کلان شهر، منظومه شهری، ابرشهر، تجمع شهری و ناحیه کلان شهری (در معنای غیر آماری و غیر امریکایی آن).

دیگر گروه مفاهیم کلان شامل آن دسته از مفاهیم منطقه شهر- بنیاد هستند که پیوستگی کالبدی در تعریف آنها جای خود را به معیار همبستگی کارکردی و همجواری فضایی می دهد. در این دسته مفاهیم بین عناصر سازنده لزوما پیوستگی کالبدی وجود نداشته و به جای آن می توان از معیارهای روابط کارکردی و همجواری فضایی در تعریف سود برد. این دسته مفاهیم بر حسب مقیاس فضایی و عناصر سازنده آنها به دو دسته مفاهیم مقیاس کلان و خیلی کلان تقسیم می شوند.

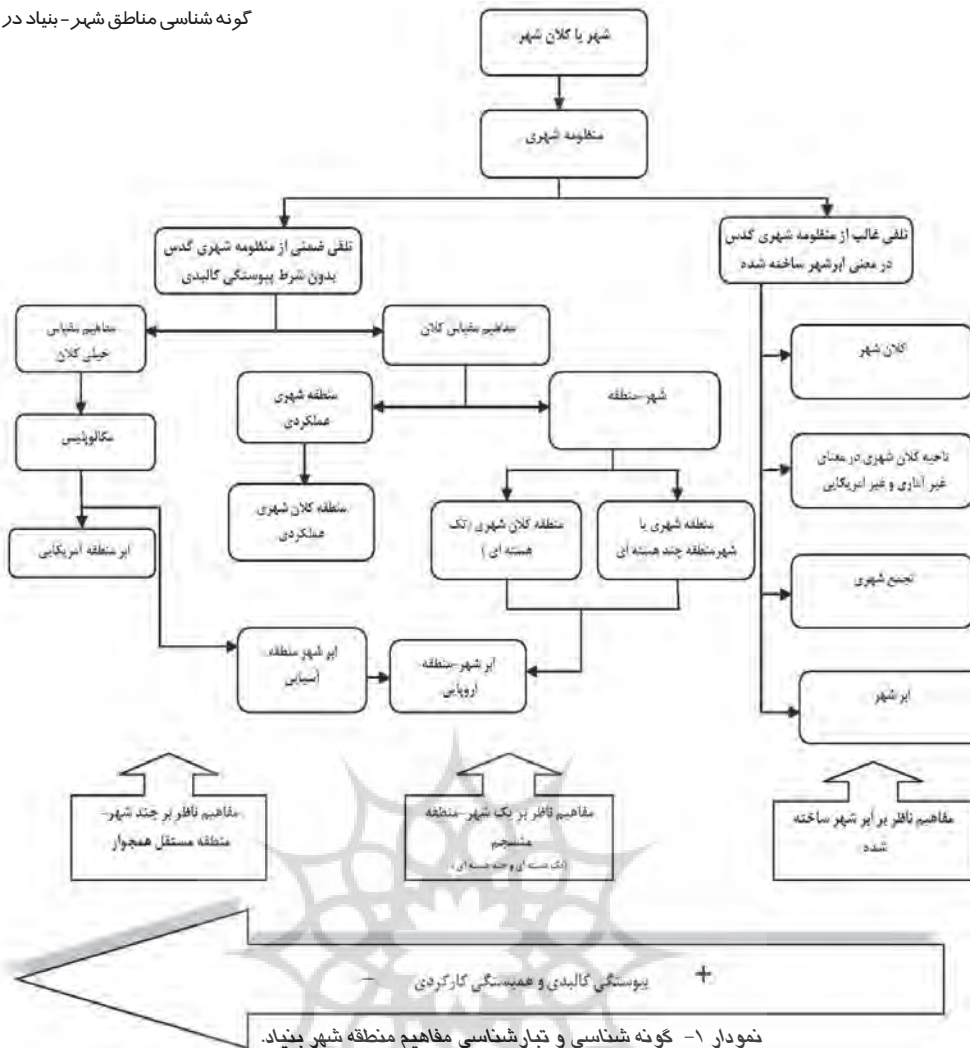
از جمله مفاهیم مقیاس کلان می توان به مفهوم شهر- منطقه و منطقه شهری عملکردی اشاره کرد. اجزای سازنده این مفاهیم شهرها و روستاها و مراکز کار و فعالیت و... هستند که در هاله روستایی- شهری پراکنده شده اند. اگرچه ساختار فضایی این دو مفهوم به طور ضمنی روشن است (شهر- منطقه ها میل به چند هسته ای شدن دارند و منطقه شهری عملکردی گرایش به تک هسته ای بودن دارد)، با این وجود همانگونه که پیشتر نیز در تعریف مفاهیم آمد، مفاهیم شهر- منطقه و منطقه شهری عملکردی دارای مقیاس فضایی چندان روشنی نیستند، به گونه ای که هر شهری با گذر از آستانه ای خاص می تواند برای خود منطقه ای را بر حسب جرم جمعیتی و فعالیت اقتصادی خودش سازمان

به نظر می رسد، این مفهوم به لحاظ مقیاس فضایی کاربرد دوگانه ای دارد. مصادیق آسیایی آن- که بازتعریفی از مگالوپلیس امریکایی است- از لحاظ مقیاس و جمعیت بسیار بزرگتر از نمونه ابر شهر- منطقه های اروپایی است. اگر بتوان پذیرفت که برای مثال دلتای رودخانه مروارید نوعی مگالوپلیس آسیایی است [اگرچه از لحاظ ساختار فضایی متفاوت از یک مگالوپلیس کلاسیک است که معمولاً شکلی خطی دارد و نیز از لحاظ وجود روابط عملکردی که خیلی مستحکم تر از مدل کلاسیک مگالوپلیس است] پذیرش آن حداقل برای همه ابر شهر منطقه های اروپایی بسیار مورد تردید خواهد بود. از دید تبارشناسی ابر شهر- منطقه های اروپایی از لحاظ ماهیت و مقیاس به مفهوم شهر- منطقه بسیار نزدیک ترند تا مگالوپلیس. به هر حال در کاربرد این مفهوم در اروپا، آسیا و امریکا باید به این نکته توجه داشت که مقیاس این مفاهیم و حتی ماهیت آن در سه قاره فوق متفاوت از هم است.

۲-۱۳- ابر منطقه

این مفهوم همراه با مفهوم مناطق مگاپولیتنی اول بار در مقالات لنگ و داو (Lang and Dhavale, 2005) و گزارش های انجمن طرح منطقه ای (RPA) منتشر شد (به نقل از Lang and Knox, 2009). ابر منطقه مفهوم جدیدی است که متأثر از ایده مگالوپلیس گاتمن- که الهام بخش طرح ابر منطقه های امریکایی ۲۰۵۰ است- در متون مرتبط به ویژه در طرح مورد اشاره مورد تاکید قرار گرفته است. ابر منطقه نسخه دیگری از مگالوپلیس است. نیل پیرس (Hutchison, 2009, 502) در سال ۲۰۰۸ از قرن مگالوپلیس یاد کرده و یادآوری می کند که بیش از ۲۰۰ میلیون از جمعیت امریکا (دو سوم جمعیت) در ۱۰ منطقه مگاپولیتنی زندگی می کنند. پیش بینی می شود تا سال ۲۰۵۰، ۷۰ درصد جمعیت کشور و ۸۰ درصد اشتغال در هشت تاده ابر منطقه امریکا زندگی خواهند کرد. فرا- منطقه ها یا ابر [منطقه] ها^{۵۲} و مگالوپلیس های جدید از جمله مفاهیم جدید هستند که در جغرافیای مگاپولیتن جدید برای نواحی بزرگ سکونتگاه های پیوسته ساخته شده به کار رفته اند (Dewar and Epstein, 2007, 110). طرح امریکای ۲۰۵۰ ابر منطقه ها را شبکه های بزرگی از نواحی کلان شهری تعریف می کند که در هم پیوند خورده اند. این ابر منطقه ها به واسطه ویژگی های زیست محیطی، فرهنگی، زیرساختی و عملکردی تعریف می شوند (ibid, 113).

در سال ۲۰۰۶ منابع برای برنامه ریزی و ارائه طرح اولیه ابر منطقه ها در امریکا تدارک دیده شد: این ابر مناطق عبارت بودند از شمال شرق (مگالوپلیس کلاسیک ژان گاتمن)، دریاچه های بزرگ، کالیفرنیا جنوبی، پیدمونت آتلانتیک^{۵۳}، کاسکادیا- شمال غرب^{۵۴}، کریدور آفتاب آریزونا و مثلث تگزاس^{۵۵} (ibid, 110). در طرح هایی که برای این هشت منطقه تهیه شده است، تعاریف مختلفی از ابر منطقه ارائه شده است. برخی از طرح ها، ابر منطقه را نواحی کلان شهری همجواری تعریف می کنند و در ضمن معیاری برای میزان پیوند آنها ارائه نمی دهد با این وجود



تمایزافکنی بین مفاهیم مختلف مورد استفاده در این عرصه و مانند هر گونه شناسی دیگر، خط و خطوط کشیده شده به هیچ روی تام و تمام تلقی نمی شوند و بسته به زمینه سیاسی، اقتصادی و سرزمینی مفروض دچار نوعی نسبیت ذاتی هستند. کلیه مفاهیم بررسی شده در این مقاله در سه دسته کلی قابل دسته بندی است: الف) آن دسته از مفاهیم منطقه شهر بنیاد که در تعریف آن بر پیوستگی کالبدی تاکید می شود و نماینده اصلی این دسته مفاهیم، مفهوم منظومه شهری است. این دسته مفاهیم به تلقی متعارف انسان از شهر بسیار نزدیکترند (ب) مفهومی از منطقه شهر بنیاد که حوزه ای بسیار فراتر از ناحیه شهری ساخته شده را دربر گرفته و شامل قلمروی عملکردی و تعاملی بین شهر مرکزی و شهرها و روستاهای پیرامونی است که در هاله شهری-روستایی پراکنده هستند. این دسته مفاهیم، به تلقی متعارف از منطقه بسیار نزدیکترند تا تلقی از شهر. مفهوم نماینده این دسته مفاهیم، شهر-منطقه یا منطقه کلان شهری است. ج) آخرین دسته و بزرگترین مقیاس فضایی مفاهیم ذیل مناطق شهر بنیاد مربوط به گستره های فرا-شهر منطقه ای است که متشکل از چندین شهر-منطقه تقریباً مستقل همجوار است. نماینده اصلی این دسته مفاهیم، مفهوم مگالوپلیس یا زنجیره شهری است.

دهد. از این رو برای تصریح مقیاس فضایی و ساختار فضایی این دسته مفاهیم معمولاً از پسوندها و پیشوندهای مکمل استفاده می شود، مانند منطقه کلان شهری تک هسته ای یا چند هسته ای، شهر-منطقه چند هسته ای یا مناطق کلان شهری عملکردی. حتی مفهوم ابر شهر-منطقه چند هسته ای نیز در دو دهه اخیر برای تصریح و تمایز بخشی مقیاس فضایی کلان مفاهیم پیش گفته وضع شده اند.

مفاهیم مقیاس خیلی کلان، از سوی دیگر، ریشه در آثار ژان گاتمن و مفهوم مگالوپلیس دارد. اگر شهرها و روستاها اجزای سازنده مفاهیم مقیاس کلان هستند، عناصر تشکیل دهنده مفاهیم مقیاس خیلی کلان، شهر-منطقه ها هستند. به عبارت دیگر، اگر مفاهیم مقیاس کلان با کنار هم قرار گرفتن چندین شهر و نقاط سکونتی و فعالیتی دیگر در قالب "یک منطقه ارگانیک" شکل می گیرد، مفاهیم مقیاس خیلی کلان از کنار هم قرار گرفتن مفاهیم مقیاس کلان (شهر-منطقه ها و مناطق کلان شهری) شکل می گیرند و این تلویحاً گویای مقیاس بسیار بزرگ و غیر قابل مقایسه آنها با انواع دیگر مفاهیم اشاره شده در این مقاله است. جدول ۲ به تشریح ریخت شناسی و معیارهای تعریف مناطق شهر-بنیاد پرداخته است.

گونه شناسی طرح شده در اینجا تلاشی است برای

جدول ۲- ریخت شناسی و معیارهای تعریف مناطق شهر- بنیاد.

مفاهیم	واضع و خاستگاه زمانی	ریخت شناسی مفهوم	معیار تعریف مفهوم
		ناظر بر ابر شهر شهر مرکزی ساخته شده	همبستگی عملکردی و همجواری فضایی شهر- منطقه های نسبتاً مستقل
		ناظر بر یک شهر (تک هسته ای یا چند هسته ای)	همبستگی عملکردی و همجواری فضایی شهر- منطقه های نسبتاً مستقل
		ناظر بر چند شهر منطقه نسبتاً مستقل همجوار	همبستگی عملکردی و همجواری فضایی شهر- منطقه های نسبتاً مستقل
کلان شهر	یونان باستان پاتریک گدس (۱۹۱۵)	*	*
منظومه شهری	اداره آمار و بودجه آمریکا (۱۹۴۹) هر معنای غیر آماری و غیر آمریکایی	*	*
ناحیه کلان شهری	سازمان ملل جانسیس یولمان (۱۹۷۵) رابرت دیکسون (۱۹۴۶)	*	*
تجمع شهری	بدون نمایزی آشکار یا شهر منطقه	*	*
ابر شهر	بدون نمایزی آشکار یا شهر منطقه	*	*
شهر منطقه	بدون نمایزی آشکار یا شهر منطقه	*	*
منطقه کلان شهری	بدون نمایزی آشکار یا شهر منطقه	*	*
منطقه شهری عملکردی	بدون نمایزی آشکار یا شهر منطقه	*	*
مجموعه شهری	بدون نمایزی آشکار یا شهر منطقه	*	*
مناطق شهری چند هسته ای	بدون نمایزی آشکار یا شهر منطقه	*	*
مگالوپلیس ازنجیره شهری	بدون نمایزی آشکار یا شهر منطقه	*	*
ایر شهر - منطقه آسیایی	بدون نمایزی آشکار یا شهر منطقه	*	*
ابر منطقه	لنگ و داو (Lang and Dhavale, 2005) و انجمن طرح منطقه ای (RPA, 2007)	*	*

قرار گرفتن ابر شهر منطقه های آسیایی در این گروه با دشواری های روش شناختی روبرو است که به بخشی از آنها در ذیل بحث مفهومی و نتیجه گیری اشاره شد. با این وجود قرار دادن آنها در کنار ابر شهر منطقه های اروپایی (مفاهیم مقیاس کلان) نیز درست به نظر نمی رسد. به نظر می رسد این مفهوم در میانه مفاهیم کلان و خیلی کلان قرار می گیرد.

نتیجه

اگرچه در تعریف مفاهیم دسته اول بر معیار پیوستگی کالبدی به عنوان اصل تمایز بخش اشاره شد، با این وجود معیار های معرف مفاهیم دسته دوم، یعنی همبستگی کارکردی، در آنها نیز قابل بررسی است. به عبارت دیگر کلان شهرها و منظومه های شهری و ابر شهرها اگرچه با تعریف و تصور اولیه ما از شهر انطباق بیشتری دارد، با این وجود، آنها بر حسب معیار های موجود، هویتی کارکردی نیز محسوب می شوند. مجموعه شهری تهران که در مطالعات طرح مجموعه شهری تهران معادل "منظومه شهری" قلمداد شده است، محدوده ای است به وسعت ۱۶۰۰۰ کیلومتر با مرکزیت هسته کلان شهر تهران که وسعتی حدود ۷۰۰ کیلومتر مربع و جمعیتی نزدیک ۸ میلیون نفر دارد. جمعیت کل مجموعه شهری اکنون بیش از

۱۳ میلیون نفر است. بر اساس مفهوم شناسی انجام شده در این مقاله و بر اساس ماهیت و ساختار مجموعه شهری تهران نمی توان از مفاهیم زیر مجموعه ابر شهر ساخته شده برای اطلاق به آن استفاده کرد، زیرا قلمرو آن فراتر از کلان شهر یا منظومه شهری مرکزی است. مفاهیم مناسب با این قلمرو در زیر مجموعه مفاهیمی چون شهر- منطقه یا منطقه شهری عملکردی قرار دارند. از آنجا که در هسته مجموعه شهری، کلان شهری چون تهران قرار دارد و نظر به اینکه ساختار فضایی این منطقه تک هسته ای غالب بوده و کشور و منطقه جزء کشور های در حال توسعه است، مناسب ترین واژه و مفهوم برای اطلاق به آن، مفهوم "منطقه کلان شهری" است.

پی نوشت ها:

۱. New towns and Satellite city
۲. Edge city
۳. Exurbia
۴. Exopolise
۵. Technoburbs and Technopole
۶. Rural-urban Fringe
۷. Metropolis
۸. Conurbation
۹. Metropolitan area
۱۰. City-region
۱۱. Megalopolis
۱۲. Mega city

۱۳. Mega city-region
۱۴. Functional Urban Region(FUR)
۱۵. Urban agglomeration
۱۶. Metropolitan region
۱۷. Polycentric Urban Regions
- ۱۸ مقصود از منطقه شهر بنیاد آن دسته مناطقی هستند که هسته اصلی و عنصر مقوم منطقه سکونتگاه های انسانی به ویژه شهرها یا کلان شهرها موجود در آن هستند که به واسطه پیوستگی کالبدی، همبستگی های کارکردی یا همجواری فضایی تعریف شده و متمایز از دیگر انواع مناطقی هستند که بر اساس مولفه های همگنی طبیعی یا کولوژیک تعریف می شوند.
۱۹. Research Review
۲۰. Meta analysis
۲۱. Parent City-state
۲۲. Town aggregate
۲۳. Conglomeration
۲۴. Merriam-Webster Online Dictionary,2006
۲۵. C.B.Fawcett
۲۶. Provinces of England,1919
۲۷. Janice E. Perlman
۲۸. Travel To Work Area(TTWA)
۲۹. Berry et al,1968
۳۰. Functional Economic Area
۳۱. R. D. Mackenzie
۳۲. <http://www.oecd.org/dataoecd/41/37/45511614.pdf>
۳۳. European Spatial Development Perspective
۳۴. Spatial Planning versus Traditional Land use Planning
- ۳۵ این چند ضلعی حلقه ای است که لندن، پاریس، میلان، مونیخ و هامبورگ را شامل می شود و اول بار در بیانیه چشم انداز توسعه فضایی اروپا ۱۹۹۹ از آن یاد شد. این منطقه با اسامی دیگری چون مگالوپلیس اروپایی، موز آبی و مثلث طلایی نیز مشهور است (Davoudi,2003,988-9).
۳۶. Multicore City-regions
۳۷. Network Cities
۳۸. City Networks
۳۹. Polynucleated Metropolitan Regions
۴۰. Dispersed City
۴۱. The Regional City
۴۲. BosWash
۴۳. Milwaukee-Chicago-Detroit- Pittsburgh corridor (ChiPitts)
۴۴. Greater Los Angeles, San Diego-Tijuana
۴۵. San Francisco-San Jose-Sacramento urban region
۴۶. Beijing-Tianjin-Tangshan
۴۷. Pearl River Delta (Hong Kong-Guangzhou)
۴۸. Yangtze River Delta (greater Shanghai)
۴۹. Polycentric Mega City-region
۵۰. Mogridge and John Parr
۵۱. Intra metropolitan Space, Polarization Process
۵۲. Super region or Megas
۵۳. Piedmont Atlantic
۵۴. Cascadia –Northwest
۵۵. Arizona sun corridor and Texas triangle

فهرست منابع:

- اسدی، ایرج (۱۳۹۰)، تبیین عقلانیت منطقه گرایی کلان شهری در تهران، رساله دکتری در شهرسازی، دانشکده شهرسازی، دانشگاه تهران .
- برک پور، ناصر (۱۳۸۲)، دانشنامه مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۷.
- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۷)، تعریف مجموعه های شهری و تعیین شاخص های آن، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۴)، نظام مدیریت مناطق کلان شهری، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری گزارش مرحله اول.
- کاستلز، مانوئل (۲۰۰۳)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (جلد اول)، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، انتشارات طرح نو.
- گول، جولیس. و کولب، ویلیام (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ویراستار: محمد جواد زاهدی مازندرانی، انتشارات مازیار.
- مهدی زاده، جواد (۱۳۸۳)، تحول در مفهوم، نقش و ساختار کلان شهرها، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۷.

- Albrecht, L. (2001), In Pursuit of New Approach to Strategic Spatial Planning: a European Perspective, *International Planning Studies*, Vol.6, No.3.
- Angotti, T. (1993), *Metropolis 2000: Planning, Poverty, and Politics*, London: Routledge .
- Bevir, M.(ed.)(2007), *Encyclopedia of Governance*, Sage Publications, Inc.
- Camagni, R. (2001), *The Economic Role and Spatial Contradictions of Global City-Regions: The Functional, Cognitive and Evolutionary Context*, in Scott, A. (ed.), *Global City – Region: Trends, Theory, Policy*, Oxford University Press.
- Caves, W. Roger. (2005), *Encyclopedia of the City*, Routledge, London and New York .
- Collin, J. Pierre , Dagenais, M. and Poitras, C. (2003), From City to City-region: Historical Perspective on the Contentious Definitions of the Montreal Metropolitan Area, *Canadian Journal of Urban Research*, Vol,12, Issue.1.
- Davoudi, S. (2003), Polycentricity in European Spatial Planning: From an Analytical Tool to a Normative Agenda, *European Planning Studies*, Vol. 11, No. 8.
- Dewar, M. and Epstein, D (2007), Planning for “Megaregion” in the United States, *Journal of Planning Literature*, Vol.22, No.2.
- Dickinson, E. Robert.(1964), *City and Region: a Geographical Interpretation*, Routledge, 1998 Reprint
- Farinos, J. Dasi. González, J. Romero. De Madariaga, I. Sánchez. (2005), Structural Problems for the Renewal of Planning Styles: The Spanish Case, *European Planning Studies*, Vol.13, No.2.
- Geddes, P. (1915), *Cities in Evolution*, London: Williams and Norgate, 1949 Reprint.
- Hakim, C. (2000), *Research Design: Successful Design for Social and Economic Research*, Routledge .
- Hall, P. and Pain, K (2006), *From Metropolis to Polypolis*, in Hall and Pain (ed.) *The Polycentric Metropolis: Learning from Mega-City Regions in Europe*, Earthscan.
- Hall, P. and Pain, K. and Green, N. (2006), *Anatomy of the Polycentric Metropolis: Eight Mega City-region in Overview*, in Hall and Pain (ed.) *The Polycentric Metropolis: Learning from Mega-City Regions in Europe*, Earthscan.
- Herrschel, T. and Newman, P. (2002), *Governance of Europe's City Regions: Planning, policy and politics*, Routledge, London and New York .
- Hutchison, R. (2009), *Encyclopedia of Urban Studies*, sage publication.
- Johnston, R. J. Gregory, D .Pratt, G. and Watts, M. (2000), *The Dictionary of Human Geography*, Blackwell Publishers, USA.
- Kloosterman, C.Robert and Musterd, S. (2001), The Polycentric Urban Region: Towards a Research Agenda, *Urban Studies*, Vol. 38, No. 4.
- Lang, R. E. and Dhavale, D. (2005), *Megapolitan Areas: Exploring a New Trans-Metropolitan Geography*. Census Report No. 05:01 (July). Metropolitan Institute at Virginia Tech, Alexandria, VA.
- Lang, Robert and Knox, Paul K.(2009), 'The New Metropolis: Rethinking Megalopolis', *Regional Studies*, Vol,43, no, 6.
- Meijers , E. Romein , A. and Hoppenbrouwer , E. C. (2003), *Planning Polycentric Urban Regions in North Europe : Value , Feasibility and Design* , DUP Science , Delft University Press.
- Meijers, E.(2005), Polycentric Urban Regions and the Quest for Synergy: Is a Network of Cities More than the Sum of the Parts? *Urban Studies*, Vol. 42, No. 4.
- Metropolis (2005), Available at: <http://www.metropolis.org>.
- Needham. Barrie.(2005), The New Dutch Spatial Planning Act: Continuity and Change in the Way in Which the Dutch Regulate the Practice of Spatial Planning, *Planning Practice and Research*, Vol. 20, No. 3.
- OECD (2002), *Redefining territories: Functional Region, Territorial Development Services*, Territorial Development Policy Committee.
- OECD (2006), *OECD Methodology for the Definition of Metropolitan Region*, Metropolitan Database, <http://www.oecd.org/dataoecd/41/37/45511614.pdf>.
- Parr, B. John. (2005), Perspectives on the City-Region, *Regional Studies*, Vol.39.No.5.
- Parr, B. John. (2007), Spatial Definition of the City: Four Perspectives, *Urban Studies*, Vol.44, No.2
- Pitzl, G. (2004), *Encyclopedia of Human Geography*, Greenwood Publication.
- Porter, E. Michael. (2001), *Regions and the New Economics of Competition*, in Scott, A (ed.) *Global City – Region: Trends, Theory, Policy*, Oxford Press.
- Sassen, S. (2001), *Global Cities and Global City-regions: a comparison*, in Scott, A. (ed.) *Global City – Region: Trends, Theory, Policy*, Oxford University Press.
- Scott, J. Allen (2001), Globalization and the Rise of City-region, *European Planning Studies*, Vol.9, No.7.
- Shumsky, N. Larry. (ed.) (1998), *Encyclopedia of Urban America: The Cities and Suburbs*, ABC-Clío Inc.
- Small, R. J. and Witherick, M. E. (1995), *A Modern Dictionary of Geography*, Edward Arnold .
- UN (2004), *World Urbanization Prospects: the 2003 Revision*, New York: United Nations, Department of Economic and Social Affairs/Population Division .
- Whittick, A. (1974), *Encyclopedia of Urban Planning*, McGraw Hill, USA.
- Wong, C. (2002), Is There a Need for a Fully Integrated Spatial Planning Framework for the United Kingdom? *Planning Theory and Practice*, Vol.3, No.3.